

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



سن جاھلی عرب  
و  
روش برخورد قرآن کریم

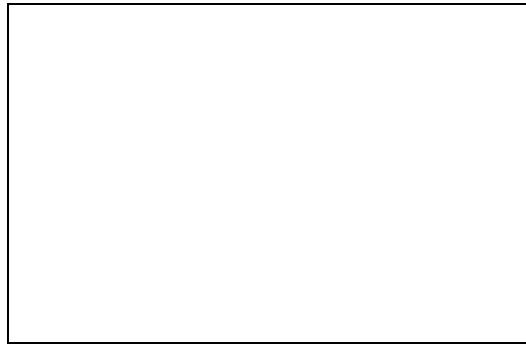
تألیف:

محمد علی امانی

با دیباچه‌ای از:  
دکتر عباس تقویان



سنن جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم ■ تألیف: محمد علی امانی ■ ناشر: دانشگاه امام صادق  
(علیه السلام) ■ ویراستار: سید محسن مدینه ■ نمایه‌سازی: رضا دبیا ■ چاپ اول: ۱۳۹۱ ■ قیمت:  
ریال ■ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوئز ■ شابک:  
همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.



## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
دیباچه .....	۱۵
مقدمه.....	۱۹
فصل اول: کلیات.....	۲۵
۱-۱. جاهلیت.....	۲۵
۱-۱-۱. ادلہ عقلی.....	۳۴
۱-۱-۲. ادلہ نقلی.....	۳۶
۲-۱. موقعیت جغرافیایی شبه جزیره عربستان.....	۴۸
۲-۲-۱. آب و هوای شبه جزیره عربستان.....	۵۰
۲-۲-۲. حجاز.....	۵۱
۳-۲-۱. تهامه.....	۵۵
۴-۲-۱. یمن و تقسیمات آن.....	۵۵
۳-۱. سنن.....	۵۶
۱-۳-۱. مفهوم دینی سنت.....	۵۷
۲-۳-۱. مفهوم غیر دینی سنت.....	۵۸
۳-۳-۱. عوامل به وجود آمدن سنت‌ها.....	۵۹
۴-۳-۱. نظام قبیله‌ای.....	۶۱
۱-۴-۱. رئیس قبیله.....	۶۴

## ۶ سنت جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم

۶۷.....	۱-۴. سرزمین قبیله.....
۶۸.....	۲-۳. کارکرد قبیله.....
۷۰ .....	پی نوشت‌ها .....
۸۱.....	<b>فصل دوم: خصلت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی – رفتاری عرب جاهلی</b>
۸۱.....	مقدمه .....
۸۳.....	۱-۲. ویژگی‌های شخصیتی اعراب جاهلی .....
۸۳.....	۱-۱-۲. سخاوت .....
۸۷.....	۲-۱-۲. شجاعت .....
۸۹.....	۳-۱-۲. وفاداری .....
۹۲.....	الف. عهد و پیمان در زمان جاهلیت .....
۹۳.....	ب، پیوند موالی .....
۹۷.....	۱-۲-۴. مروت .....
۹۸.....	۲-۲. روابط و آداب حاکم برخانواده .....
۹۸.....	۱-۲-۲. نکاح .....
۹۸.....	الف. زن در جامعه جاهلی .....
۹۹.....	ب. شیوه‌های ازدواج .....
۹۹.....	۱. برون همسری و درون همسری .....
۱۰۳.....	۲. تک همسری و چند همسری .....
۱۰۷.....	ج. انواع مختلف ازدواج در جامعه جاهلی .....
۱۰۸.....	۱. نکاح شغاف .....
۱۰۹.....	۲. نکاح بدل .....
۱۱۰.....	۳. نکاح استبضاع .....
۱۱۰.....	۴. نکاح مضامده .....
۱۱۱.....	۵. نکاح مخادنه .....
۱۱۲.....	۶. ازدواج با زن پدر .....
۱۱۴.....	۷. نکاح همزمان دو خواهر .....
۱۱۴.....	۸. نکاح متعم .....
۱۱۵.....	۲-۲-۲. طلاق .....

## فهرست مطالب ۷

الف. طلاق غیر صريح.....	۱۱۶.
ب. طلاق صريح.....	۱۱۶.
۳-۲-۲. سنن عرب جاهلى در مورد فرزندان.....	۱۱۷.
الف. کشن فرزندان.....	۱۱۷.
۱. قتل فرزندان.....	۱۱۷.
۲. زنده به گور کردن دختران.....	۱۱۸.
ب. پسر خواندگی.....	۱۲۱.
ج. خلیع یا طرید.....	۱۲۳.
۳-۲. آداب و رسوم اجتماعی.....	۱۲۴.
۱-۳-۲. شعرسرايی.....	۱۲۵.
الف. کارکرد شاعر قبيله.....	۱۲۵.
ب. قرآن کريم و شعر.....	۱۲۶.
۲-۳-۲. تقلید کورکوزانه.....	۱۲۶.
۳-۳-۲. عصبيت.....	۱۲۸.
الف. خون خواهی.....	۱۲۹.
ب. کمک خواهی.....	۱۳۰.
۲-۳-۴. تفاخر.....	۱۳۱.
الف. منافره.....	۱۳۲.
ب. معاقره.....	۱۳۳.
ج. تکاثر.....	۱۳۴.
۵-۳-۲. خرافه گرایی.....	۱۳۵.
الف. کهانت و پيشگوئي حوادث آينده.....	۱۳۶.
ب. قيافه.....	۱۳۹.
ج. فراسه و عيافه.....	۱۳۹.
د. ارتباط با جن.....	۱۴۰.
هـ. تطير.....	۱۴۲.
و. تفائل.....	۱۴۲.
ز. برخى ديگراز عادات و اساطير اعراب جاهلى.....	۱۴۴.

## ۸ سنت جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم

۱۴۴.	ح. عقد الرتائم.....
۱۴۵.	ط. حسنه البلايا.....
۱۴۵.	ی. آتش افروزی برای باران.....
۱۴۶.	ک. عوامل و ریشه‌های به وجود آمدن خرافات.....
۱۴۸.	پی‌نوشت‌ها.....
فصل سوم: روش‌های رویارویی با سنت‌های عرب جاهلی در قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ..... ۱۶۷	
۱۶۷.	مقدمه.....
۱-۳	۱-۱. روش‌های قرآن کریم و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در مبارزه با سنت حاکم بر جامعه جاهلی..... ۱۶۷
۱۶۸.	۱-۱-۲. روش مستقیم..... ۱۶۸
۱۶۸.	الف. روش دفعی..... ۱۶۸
۱۶۸.	ب. روش تدریجی..... ۱۶۸
۱۷۱.	۱-۲-۲. روش غیر مستقیم..... ۱۷۱
۱۷۲.	الف. سرگذشت انسان‌های پیشین..... ۱۷۲
۱۷۳.	ب. بیان مسائل در قالب سؤال..... ۱۷۳
۱۷۴.	ج. روش مقایسه..... ۱۷۴
۱۷۵.	د. استفاده از مثال‌های رایج..... ۱۷۵
۱۷۶.	ه. آخرت گرایی و فرجام طلبی..... ۱۷۶
۱۷۷.	و. اقدامات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عنوان خط شکن..... ۱۷۷
۱۷۹.	ز. ویژگی‌های فردی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، به عنوان رهبر... ۱۷۹
۱۸۰.	۲-۳. اصول استخراج شده با توجه به اقدامات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ۱۸۰
۱۸۰.	۱-۲-۳. خود سازی و آماده شدن رهبر برای پذیرش مسئولیت ..... ۱۸۰
۱۸۱.	۲-۲-۳. پذیرش مشترکات در تحول جامعه ..... ۱۸۱
۱۸۲.	۳-۲-۳. هجرت در صورت نامساعد بودن محیط ..... ۱۸۲
۱۸۲.	۴-۲-۳. رشد شخصیت انسان در سایه آگاهی و اختیار ..... ۱۸۲
۱۸۳.	۵-۲-۳. استفاده از تجربه و تاریخ ..... ۱۸۳
۱۸۴.	۶-۲-۳. توجه به علم، تعقل و تدبیر ..... ۱۸۴

## فهرست مطالب ۴

۱۸۹.....	۷-۲-۳
۱۹۱.....	۸-۲-۳
۱۹۵.....	۹-۲-۳
۱۹۶.....	۱۰-۲-۳
۱۹۸.....	۱۱-۲-۳
۲۰۰.....	۱۲-۲-۳
۲۰۳.....	۱۳-۲-۳
۲۰۶.....	پی‌نوشت‌ها
۲۱۷.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها
۲۱۹.....	ارائه پیشنهادها
۲۲۲.....	پی‌نوشت‌ها
۲۲۳.....	فهرست منابع و مأخذ
۲۲۳.....	الف. کتاب‌های فارسی و عربی
۲۳۰.....	ب. پایان نامه و مقاله
۲۳۰.....	ج. مقالات انگلیسی
۲۳۱.....	نمایه آیات
۲۳۵.....	نمایه موضوعی و اعلام



«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ»  
وَلَقَدْ اَتَيْنَا دَأُوْدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالاً الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي  
فَضَلَّنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

## سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبیر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول و آموزه‌های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ورای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشی از سوره مبارکه الاسراء، آیه شریفه ۹)، «صدر حکمت» (وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ - سوره مبارکه یس، آیه شریفه ۲)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لِقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعه، آیه شریفه ۷۷) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصریح دارد که «وَلَقَدْ صَرَفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَكَلِّ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (قرآن کریم، سوره مبارکه الكهف، آیه شریفه ۱۸). این خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی

صاحبان عقول سلیم می‌تواند راهنما باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان منتفی ساخته و در تمامی اعصار متنی معتبر و مستندرا در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند بدان اتكاء نماید؛ چنان که فرموده است: (إِنَّا هُنَّ نَزَّلْنَا الْذِكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (قرآن کریم. سوره مبارکه الحجر آیه شریفه ۹).

با این مبنا و با عنایت به سفارش‌های بیان شده از سوی رسول خدا<sup>۱۰۹</sup> و ائمه مصصومین (علیهم السلام) در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره‌ای، آشکار می‌گردد. دانشگاه امام صادق<sup>۱۱۰</sup> به عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه‌های دینی تأسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار بوده و بدین ترتیب از کژی و انحراف دور باشد (أَفَمَنْ أَسَسَ بُنيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَ رَضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارِ—قرآن کریم. سوره مبارکه التوبه، بخشی از آیه شریفه ۱۰۹)، از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پرورش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و ...) تنها اولویت محوری دانشگاه به شمار می‌آید که تمامی سیاست‌ها در ذیل آن معنا می‌دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجویتی تعریف شده که رسول خدا<sup>۱۱۱</sup> پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می‌دانند؛ باشد که با قرآن از در افتادن به گمراهی و کفر بازداشت شوند؛ «وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي أَتَخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الفرقان، آیه شریفه ۳۰).

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق<sup>ع</sup> با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهرهمندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ هم‌زمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به اجراء گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهرهمندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ به‌ویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهرهمندی از راهنمایی‌های ارایه شده از مصصومین<sup>(علیهم السلام)</sup>، در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَنَزَّلْ مِنَ الْقُرْآنَ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه الاسراء، بخشی از آیه شریفه ۸۲). در این راستا و همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق<sup>ع</sup>



## دیباچه

بسم الله الرحمن الرحيم

«... وَاذْكُرُواْ نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاء فَالَّفَ بَيْنَ قُلُوبَكُمْ فَاصْبِحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ  
إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْتَدْكُمْ مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ  
أَعْلَمُكُمْ تَهْتَدُونَ» (سورة آل عمران، آية ۱۰۳)

(...) و نعمت خداوند را برخود یادکنید که دشمنان همدیگر بودید و او میان  
دل های شما الفت داد و به نعمت او باهم دوست شدید و بر لبه پر تگاه آتش  
بودید و او بازتابان رهاند، خداوند بدین سان آیات خویش را برای شما به روشنی  
بیان می دارد تا هدایت یابید)

درک درست شریعت مقدس اسلام مبتنی بر فهم معارف قرآن و سنت و فهم  
این دو در گرو درک شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر شبه جزیره  
عربستان پیش و پس از ظهور اسلام است. خورشید اسلام زمانی طلوع کرد که  
ساکنان جزیره العرب در تاریکی بت پرسنی، خرافه گرایی و جهل و عصیت های  
کور جاهلی می زیستند. بهترین توصیف این وضعیت در کلام امیر المؤمنین  
(علیه السلام) در بخشی از خطبه ۲۶ نهج البلاغه آمده است، آنجا که می فرماید: إنَّ  
اللهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله) نَذِيرًا لِّلْعَالَمِينَ وَأَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ

الْعَرَبَ عَلَى شَرَّ دِينٍ وَ فِي شَرَّ دَارٍ مُنِيَّخُونَ بَيْنَ حِجَارَةِ خُشْنَ وَ حَيَّاتِ صُمَّ  
 تَشْرِيبُونَ الْكَدِيرَوَتَأْكُلُونَ الْجَسِبَ وَ تَسْكُونَ دِمَاءُكُمْ وَ تَقْطُعُونَ أَرْحَامَكُمْ الْأَصْنَامُ  
 فِي كُمْ مَنْصُوبَةٌ وَ الْأَثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ (همانا خداوند محمد(صلی الله علیہ وآلہ) را که  
 درود خدا بر او و برخاندانش باد، به عنوان هشداردهنده به جهانیان و امین وحی  
 و قرآن مبعوث کرد، در حالی که شما، ای توده‌های عرب، تکیه بر بدترین  
 دین‌های جهان داشتید و در بدترین دیار می‌زیستید، در میان سنگلاخ‌های  
 مارآکند، می‌غلتیدید، نوشابه‌تان، آب‌های گندیده بود و خوراک‌тан نان‌های  
 خشکیده، خون یکدیگر را می‌ریختید و پیوند خوبشاوندی را می‌گستید،  
 بت‌ها در میانتان بربا و زندگی‌تان آلوده به هرگونه خطأ بود). اگر برخی خوی  
 خصلت‌های انسانی نظیر شجاعت، بخشندگی، وفاداری، مهمان‌دوستی و غیره  
 در میان آنان نیز روایت شده اما همین جنبه‌های به ظاهر مثبت نیز درون یک  
 پارادایم فکری مادی و سودجویانه قبیلگی قرار داشت. فهم درست رفтарها و  
 سنت‌های دوره جاهلی که اسلام نسبت به براندازی و القاء برخی از آن‌ها یا  
 تصحیح و جهت‌دار کردن برخی و یا تأیید و امضاء پاره‌ای دیگر اقدام نمود،  
 یقیناً مارا در درک واقع‌بینانه‌تری از معارف قرآن و سنت نبوی کمک خواهد  
 کرد زیرا ادبیات و گفتمان حاکم بر قرآن و سنت نبوی دربردارنده عناصری  
 است که فهم درست آن‌ها بدون آشنایی با شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی  
 اعراب در آستانه نزول قرآن میسر نیست. مهم‌ترین تغییر و تحولی که اسلام در  
 میان اعراب جاهلی ایجاد کرد، تغییر نگرش آن‌ها نسبت به کل عالم هستی و  
 ایجاد یک جهان‌بینی توحیدی درون‌زا و به دنبال آن ارائه یک نظام رفتاری  
 جدید مبتنی بر این جهان‌بینی توحیدی بود. نگارنده این کتاب سعی کرده است  
 در سه محور، آشنایی با شرایط جغرافیایی، شرایط اجتماعی و شرایط فرهنگی  
 دوران جاهلیت در شبه‌جزیره عربستان قبل از نزول قرآن و نحوه مواجهه قرآن  
 و پیامبر اکرم(صلی الله علیہ وآلہ) با سنن عرب جاهلی را مورد واکاوی قراردهد.

بدون شک این قبیل مطالعات و پژوهش‌ها مقدمه لازمی برای درک بهتر فضای نزول قرآن و اسباب صدور بخشی از احادیث نبوی است.

دکتر عباس تقیان

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



## مقدمه

قرآن کریم، کتابی است که پرتو هدایت آن زوابای روح، فکر، نفسیات و روابط حدود و حقوق خلق را با یکدیگر و همه را با خالق و اعمال را با نتایج روش ساخت و نفوس را رو به صلاح و اصلاح پیش برد و استعدادهای خفته را بیدار کرد و به جنبش درآورد، همراه اصلاح نفوس و به کار افتادن استعدادها، خیرات طبیعت را جاری و در دسترس همه قرار داد، اندیشه‌ها را فرا آورد، جلوی دیدها را باز کرد. شعله‌هایی از ایمان در دل‌ها برافروخت، تاریکی اوهام و وحشت‌ها و کینه‌ها را از میان برد، بندهایی که در قرون ممتد جاھلیت عقل‌ها و اندیشه‌ها و دست‌ها را بسته بود و نفوس خلق را به بندگی غیر خدا درآورده بود، گسیخت، عقددهای واپس زده را گشود، محرومیت‌ها را از میان برد، راههای قانونی بهره‌برداری از لذات مادی و معنوی را به روی همه باز کرد، با تحولی که از عمق ضمائر و نفوس سرچشمۀ می‌گرفت، جهشی در اندیشه‌ها و اخلاق و آداب پدید آورد، با از میان بردن اوهام و عصیت‌ها، فاصله عناصر گوناگون ناجور و ناهموار را با هم جور و هم آهنگ و متحد ساخت و از آنها مجتمع قوی و محکمی پیا داشت تا با قدم‌های استوار و ضمائر بیدار و زبان‌هایی که بانگ آزادی بخش تکبیر از آنها بر می‌خاست و دستهایی که قانون

عمومی حیات و سایه رحمت و شهپر عزت را حمل می‌کرد و پنجه‌های آهنینی که شمشیر درخشان عدل را برمی‌داشت بسوی جهان از هم گسیخته و نظمات منحط و سرزمین‌های ظلم و جور پیش رفتند، در زمانی کوتاه پرده‌های ضخیم شرک و اشباح قدرتها را از جلو دیدگان مردم ستم کشیده و وحشت زده برداشتند. سنگرها و حصارهای ستم طبقات را فرو ریختند، بانگ تکبیر و توحید را بالای سر سرکش‌ترین کاخ‌های بت‌سازان و معابد اوهام و کمین‌گاه کاهنان سردادند، با این بانگ حق و آزادی، سرهای سرکشان را به زیر آوردنده و کلبه‌نشینان و در بندان ذلت‌زده را سربلند و آزاد کردند، فاصله‌ها را از میان طبقات برداشتند، این بیابان گردها از درون خیمه‌ها و از گوشه و کنار صرا، گرد آمدند تا با مشعل‌های هدایتی که این کتاب در سینه‌های آنان افروخته بود، شهرنشینان متمن نما را به‌سوی یک نظام عالی الهی و عدل همگانی رهبری نمایند و عامه مردم را از زیر فشار مقررات خود ساخته بشری که به سود طبقه‌ای و به زیان همگان تحمیل شده بود و از میان پنجه‌های خونین طبقات حاکم، نجات بخشند و شخصیت خود باخته آدمی را به آنها باز گردانند و ارزش انسانی را بالا برند و با تعالیم و مقررات این کتاب، افراط در تمایلات معنوی و مادی و کشنش و تضاد میان خواسته‌های روحی و غرائز جسمی در نفوس حاملین این رسالت و عاملین به این شریعت از میان رفت و با توجه به انگیزه‌های واپس‌زده و انجام درخواستهای مشروع، به تهذیب خلق و تکمیل نفس و تحکیم عقل پرداختند و فاصله میان دیرنشینان و واپس‌زده‌های چشم از دنیا پوشیده و دنیا پرستان چشم به مال و شهوات دوخته را برداشتند و چشم‌هایی را به دیدن ارتباط و تلازم ماده و معنا و دنیا و آخرت گشودند و در صراط مستقیم عمران دنیا و پیشرفت به سوی عقبی به راه افتادند و ناهمانگی میان جسم و جان را از میان برداشتند.

این توحید در عقیده و هدف و باز شدن چشم‌های جهان بینی، این تحول

نفسانی و هماهنگی قوای روانی و بیدار شدن استعدادها و جوشیدن سرچشمه‌های فضائل و از میان برداشتن فاصله‌های وهمی و ساختگی و گستردۀ شدن سایه عدالت و قدرت سازندگی و ابتکار، همه از آثار تابش مستقیم قرآن بر زوایای نقوس و پرتو هدایت آن بود.

بنابراین کاوش و تحقیق در شناخت محیط جاهلیت از همه جوانب و معرفت به عقاید، خرافات، عادات و آداب و سنن اخلاقی و اجتماعی علاوه بر فوائد گوناگونی که دارد از مهم‌ترین عامل اسلام شناسی است. هر فقیه، مجتهد، مفسر، محدث، متکلم، مورخ و هر کسی که – به هر منظور – در پی شناخت اسلام و درک ناحیه‌ای از نواحی مختلف آن است و حتی هر مسلمانی، برای درک بهتر اسلام نیاز مبرم و قطعی دارد.

تحقیق و شناسایی عمیق و همه جانبه فرهنگ عصر جاهلی مقدمه تفسیر قرآن و حدیث است. محیط جزیره‌العرب مهیط قرآن و جایگاه گفت و شنود و نشر معارف اسلام است و مبارزه پی‌گیر اسلام با جاهلیت‌های بشری و ساخته و باقته‌های آنان در قسمت‌های عقائد، اخلاقیات، سنن و... از رهگذر و مجرای مبارزه با جاهلیت‌های عرب صورت گرفت. لذا شناخت چنین محیطی از مهم‌ترین شرایط و ارکان شناسایی کامل اسلام و درک روح آن است. علاوه بر اینکه بسیاری از خرافات، عقائد، سنن و نظمات جاهلیت عرب که اسلام آنها را ابطال نموده و کنار زده است بار دیگر با همان شکل و یا تغییر شکل‌هایی عودت کرده و جلوه‌گر شده‌اند و حتی متأسفانه گروهی در میان جامعه‌های اسلامی نیز بر اثر بی‌خبری از اسلام به برخی از آنها گرفتار شده و بعید نیست به واسطه بی‌خبری از اسلام، همان عقائد خرافی یا سنن ابطال شده را عقائد و سنن اسلامی بدانند.

بنابراین با آگاهی از روش برخورد قرآن کریم و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با سنن و رفتارهایی جاهلی می‌تواند در برخورد صحیح و اثر گذار با عقائد

## ۲۲ □ سنت جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم

خرافی و سنت ناهمجارت در جامعه مؤثر باشد.

### سؤالهای اصلی

۱. قرآن کریم در ترسیم سنت حاکم بر جامعه عرب پیش از اسلام چه مواردی را مطرح می‌کند؟
۲. موضع گیری قرآن کریم در قبال چنین سنت‌هایی چگونه است؟

### فرضیه‌ها

قرآن کریم موارد شاخصی از سنت پیش از اسلام چه در مورد ویژگی‌های شخصیتی اعراب جاهلی مانند سخاوت، وفاداری، شجاعت و غیره و چه در حوزه روابط و آداب حاکم برخانواده مانند نکاح، طلاق، قتل فرزندان و غیره و چه در حوزه آداب و رسوم اجتماعی مانند تقلید کورکورانه، عصت، تقاضا، خرافه‌گرایی و غیره مطرح نموده است.

قرآن کریم سنت عرب جاهلی را بر اساس اصول مختلفی چون آخرت گرایی، خودسازی و آماده شدن رهبر برای پذیرش مسئولیت، پذیرش مشترکات در تحول جامعه، هجرت در صورت نامساعد بودن محیط، استفاده از تجربه و تاریخ، توجه به علم، تعقل و تدبیر، توجه به افراد یتیم، آخرت گرایی و عاقبت‌اندیشی، اعتدال و میانه‌روی و غیره جهت بخشیده، رذائل اخلاقی را در همه سطوح رد کرده و فضائل اخلاقی را جایگزین آن نموده است.

### روش تألیف کتاب

در ابتدای کار، آیاتی که بیان گر و ضعیت اخلاقی – رفتاری اعراب جاهلی بود، استخراج، سپس با مراجعه به کتابخانه، مرکز اسناد، مرکز اطلاع‌رسانی و منابع الکترونیکی، پیرامون موضوع مورد نظر در کتاب‌های تاریخی و تفسیری کاوش به عمل آمد. روش این اثر، توصیفی – تحلیلی است.

کتاب حاضر مشتمل بر سه فصل است. در فصل اول با عنوان «کلیات» مباحثی چون: معنای جاھلیت، موقعیت جغرافیایی شبه جزیره عربستان، سنن و عوامل به وجود آمدن سنت‌ها و نظام قبیله‌ای طرح شده است. در فصل دوم به بررسی خصلت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی - رفتاری عرب جاھلی پرداخته شد و در فصل سوم روش‌های رویارویی قرآن کریم و پیامبر اکرم(صلی الله علیہ وآلہ) با سنن عرب جاھلی مورد بحث قرار گرفت.

#### چند نکته

۱. ترجمه آیات قرآن کریم براساس ترجمه حضرت آیت الله العظمی جناب آقای مکارم شیرازی است.
۲. علائم اختصاری: (ش) شمسی، (ق) قمری، (م) میلادی، (ص) صفحه، (صص) صفحه‌های، (ج) چاپ، (خ) خطبه، (خخ) خطبه‌های، (بی تا) بدون تاریخ نشر، (بی جا) بدون ذکر محل نشر، (بی نا) بدون ذکر نام ناشر.
۳. در پایان این مقدمه متنذکر می‌شوم که نگارنده این کتاب، ادعای انجام کامل و بدون ایراد و اشکال این اثر را ندارد بلکه تلاشی است در حد دانشجویی که در ابتدای کار پژوهش قرار دارد و اگر لطف و عنایت باری تعالی نبود، به انجام نمی‌رسید. «و آخر دعوانا أَنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».





## کلیات

### ۱-۱. جاهلیت

اصطلاحی ناظر به نوعی از ویژگی‌های اخلاقی و اعتقادی و نیز دوره‌ای از تاریخ پیش از اسلام عربستان است که این ویژگی‌ها در آن بروز کرده است. واژه «الجاهلية»، مأخوذه از ریشه «جهل» ترکیبی از اسم فاعل «الجاهل» و پسوند «یه» است که ظاهراً بر اسم معنی یا اسم جمع دلالت می‌کند.<sup>۱</sup> این واژه چهار بار در سوره‌های مدنی قرآن، در تعابیر «ظن الجاهلية»<sup>۲</sup> «حکم الجاهلية»<sup>۳</sup> «تبرج الجاهلية»<sup>۴</sup> و «حمىة الجاهلية»<sup>۵</sup> به کار رفته و در هرچهار مورد، همراه با ملامت و مذمت است. این لحن ملامت آمیز همچنین در پاره‌ای دیگر از آیات، که مشتقات دیگر جهل، نظیر «تجهلون»<sup>۶</sup>، «جاهلون»<sup>۷</sup> و «جاهلين»<sup>۸</sup> در آنها آمده، دیده می‌شود. در مجموع می‌توان گفت که قرآن به دوره خاصی از تاریخ عرب در عربستان پیش از اسلام توجه و از ویژگی‌های اخلاقی آن به شدت انتقاد کرده است. در واقع، قرآن این دوره را به سبب بروز ویژگی جاهلیت در اخلاق و رفتار مردم آن، «دوره جاهلی» نامیده و بعدها این نام برای این دوره، علم شده است.<sup>۹</sup>

علاوه بر این، در قرآن از برخی آداب و رسوم و اعتقادات و اعمال دوره

جاهلیت انتقاد شده است.<sup>۱۰</sup>

در احادیث، اوصاف و مطالب گوناگونی درباره جاهلیت و مظاهر و مصادیق آن آمده است. نوع کاربرد واژه جاهلیت در این احادیث نشان می‌دهد که این واژه از صدر اسلام، اصطلاحی رایج برای بیان نوع اخلاق و رفتار و آداب دینی پیش از بعثت رسول اکرم (صلی الله علیہ وآلہ) بوده است. از برخی خطبه‌های حضرت علی (علیہ السلام) در نهج البلاغه چنین بر می‌آید که عرب دوره جاهلیت، علاوه بر ناگوار و نامطبوع بودن خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها یاشان، اعتقادات دینی صحیح و ارتباطات خویشاوندی و اجتماعی مناسب و در مجموع زندگی فردی و اجتماعی بسامانی نداشتند.<sup>۱۱</sup> نظری این اوصاف در سخنان جعفر بن ابی طالب، سرپرست مهاجران مسلمان به حبشه، در برابر پادشاه حبشه نیز آمده است.<sup>۱۲</sup> خطبه حضرت زهراء (سلام الله علیہا)، در مسجد نبوی نیز همین معنا را افاده می‌کند.<sup>۱۳</sup> پاره‌ای از روایات دلالت بر آن دارد که صحابه پیامبر (صلی الله علیہ وآلہ) به فرهنگ دوره جاهلیت و زندگی خود در آن دوره توجه و خاطرات آن عهد را یادآوری می‌کردند.<sup>۱۴</sup> از جمله مسایل مهم برای اصحاب که مکرر درباره آن از پیامبر پرسش می‌کردند، اعمالی بود که در دوره جاهلیت انجام داده بودند و آن حضرت در پاسخ می‌فرمودند اگر واجد اسلام و ایمان صحیح شوید، به اعمال دوره جاهلیت خود مُواخذه نمی‌شوید؛ در غیر این صورت هم به اعمال دوره جاهلیت و هم به اعمال دوره پس از اسلام مُواخذه خواهد شد.<sup>۱۵</sup> گاهی اصحاب از پیامبر کرم (صلی الله علیہ وآلہ) درباره نذرها و پیمان‌های بسته شده در دوره جاهلیت سؤال می‌کردند و پیامبر گاه بر وفا به آن پیمان‌ها تأکید می‌ورزیدند.<sup>۱۶</sup>

از مجموع احادیث بر می‌آید که پیامبر و ائمه (علیهم السلام) از هر فرصتی برای اصلاح افکار و اعمال جاهلی و جاهلیت‌زدایی استفاده می‌کردند. گاه پایه و اساس آن، یعنی تعصب (حمیت) را تخطه می‌نمودند و گاهی مظاهر و

مصاديق آن را تبیین و از آنها انتقاد می‌کردند. بر اساس حدیثی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، اسلام را موجب خوار شمردن کسانی دانسته که در جاهلیت عزیز بودند و بزرگداشت کسانی که در جاهلیت ذلیل بودند و تأکید کرده است که خدا اسلام را مایه از بین بردن نخوت و تقاضا جاهلی به قبیله و نسب قرار داده است.<sup>۱۷</sup> بنابر حدیثی دیگر از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، بیان شده است که: کسی که در دلش ذره‌ای تعصب جاهلی باشد، در روز قیامت با اعراب جاهلی محشور خواهد شد.<sup>۱۸</sup> در مواردی نیز ایشان برخی اصحاب خود را به سبب داشتن نوعی رفتارهای جاهلی ملامت کرده است.<sup>۱۹</sup> پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در جاهلیت ستیزی چنان جدی بودند که به جای دو روزی که آنان در عصر جاهلی به جشن و پایکوبی می‌پرداختند، دو روز عید فطر و قربان را جایگزین کردند.<sup>۲۰</sup> همچنین نام فردی را که در جاهلیت، عزیز بود که نوعی نخوت و غور جاهلی را نشان می‌داد، به عبد الرحمن تغییر داد.<sup>۲۱</sup> حضرت علی (علیه السلام) نیز مردم را از درافتادن به دام حمیت و عصیت جاهلی، پرهیز داده و شیطان را مظہر آن معرفی کرده است.<sup>۲۲</sup>

در پاره‌ای از احادیث، برخی اعمال و رفتارهایی که مسلمانان انجام می‌دادند، مصدق فرهنگ جاهلی شمرده شده است. بر اساس حدیثی از امام سجاد (علیه السلام) عصیت مذموم جاهلی، به این معناست که شخص، افراد شریر قوم خود را بهتر از افراد نیک قوم دیگر بداند و به آنان در اعمال ظالمانه کمک کند.<sup>۲۳</sup>

در قرون اخیر با گسترش تحقیقات خاورشناسان در زمینه اسلام‌شناسی، خاصه در حوزه غرب‌شناسی و سیره نبوی و قرآن، مفهوم جاهلیت روشن‌تر و نمایان‌تر شد.

به طورکلی با توجه به شواهد مختلف می‌توان سه معنای متفاوت از جهل برداشت کرد:

معنای اول **جهل**. در مقاله عصر جاهلیت (Age of Ignorance) در

دایرةالمعارف قرآن به نقل از خاورشناس مجاری ایگناس گولدزیهر (I.Goldzihér)، آمده است که ریشه اصلی جهل به معنای نادانی نیست، بلکه به معنای برابریت و وحشی‌گری است که مربوط به رفتار اعراب جاهلی می‌شود لذا با توجه به این دیدگاه، متضاد اصلی آن، علم و دانش نیست بلکه حلم و خود کنترلی است و کلمه جاهلیت را به معنای بی‌تمدنی و وحشی‌گری معنی می‌کنند و از قول ایزوتسو احتمال می‌دهند که متضاد واقعی آن اسلام است.<sup>۲۴</sup> و این تقابل بین جهل و اسلام در سوره فرقان نشان داده می‌شود<sup>۲۵</sup> جهل در مقابل حلم (به معنای عقل) است نه علم. بر این اساس عصر جاهلیت به معنای دوره نادانی و جهالت نیست، بلکه دوران برابریت و سرکشی و شامل خشونت، استبداد، خودپرستی، یاوه‌گویی و نظایر آنهاست.<sup>۲۶</sup> گفتنی است که تقابل جهل و حلم ریشه در میراث شعری عرب<sup>۲۷</sup> و احادیث و روایات اسلامی<sup>۲۸</sup> دارد. همچنین در این منابع، جهل در کاربرد ثانوی‌اش در تقابل با علم نیز به کار رفته است.<sup>۲۹</sup> با آنکه نظریه گولدزیهر مورد تشکیک واقع شد و بر خی مترجمان قرآن پس از وی، در ترجمه مشتقات جهل (از جمله جاهلیت) به نظریه او توجه چندانی نکردند،<sup>۳۰</sup> حاصل پژوهش گولدزیهر در کنار تحقیقات جدید درباره فرهنگ عرب پیش از اسلام، دستمایه پژوهش محققان بعدی قرار گرفت.

اسلام‌شناس ژاپنی، توشیهیکو ایزوتسو در کتاب مفاهیم/اخلاقی - دینی در قرآن، بر اساس پژوهشی که عمدتاً بر مبنای آیات قرآن و شواهد حدیثی - تاریخی است، نظریه گولدزیهر را تکامل بخشید و نتیجه گرفت که در کاربرد قرآنی، جهل و به نفع آن جاهلیت، ناظر به دشمنی دشمنان پیامبر با عقیده توحید و پرخاشگری به آن است که بر اساس موازین اخلاقی آنان اعتقادی سختگیرانه و طاقت‌فرسا بود.<sup>۳۱</sup> علاوه بر این، ایزوتسو فصلی از کتاب خود، خدا و انسان در قرآن را به تبیین مفهوم جاهلیت در چارچوب ارتباط میان

مفاهیم رب و عبد اختصاص داد. به نوشته وی، عرب جاھلی، الله را خدای مطلق نمی‌شناخت بلکه قائل به اریاب بود و استقرار مفهوم ربویت مطلق برای الله، تغییری اساسی در تصور ارتباط میان خدا و انسان ایجاد کرد، به این معنا که انسان در برابر الله فقط باید عبد (فرمانبردار بدون قید و شرط) باشد و مفاهیمی چون عبادت، طاعت، قنوت، خشوع و تصرع نیز در همین چارچوب معنا می‌یابند. به عقیده او مهم‌ترین صورتی که مفهوم عبودیت را بیان می‌کند مفهوم اسلام به معنای تسلیم شدن محض در برابر خواست خداست. اسلام به این معنا نقطه‌ای است که در آن زندگی فرد، به دو بخش تقسیم می‌شود. این دو بخش سرشت‌های کاملاً متفاوتی دارند که می‌توان آنها را جاھلی و اسلامی نامید. در واقع مسلم شدن به این معناست که فرد از خودپسندی و مغرور شدن به قدرت انسانی خویش، دست بکشد و به عنوان عبد، تسلیم خدا شود و در مقابل، جاھل بودن فرد به معنای مغرور بودن او به قدرت بشری و استقلال مطلق است. ایزوتسو با استناد با آیات قرآن کریم، تکر و خودپسندی را سرچشم‌های خصلت‌های دوره جاھلیت دانسته و بر آن است که اسلام ضریب سختی بر این روحیه که به‌طور خلاصه در آیه ۲۶ سوره مبارکه فتح آمده است، وارد ساخت. بدین ترتیب با ظهور ارزش‌های قرآنی بر بنیاد توحید و اعتقاد به ربویت مطلق الله که با نفی شرک همراه بود، میان دو اصل ناسازگار، یعنی جاھلیت و اسلام، مبارزه‌ای پدید آمد که پیش از این سابقه نداشت.<sup>۲۲</sup>

رژی بلاشر، خاورشناس فرانسوی، در کتاب تاریخ ادبیات عرب، بر اساس یافته‌های پیشین، به صورت‌بندی روان‌شناسی شخصیت عرب بدوى پرداخته و ویژگی‌های فردی و اجتماعی عرب جاھلی را چنین برشمرده است: خوگرفتن با خشونت از کودکی که در کنار تنگدستی و محرومیت او را تندخو، مغرور، زود خشم و ستیزگر می‌کرد؛ حس شرف و ناموس که در واقع مظهر توجه وی به نیک‌نامی بود؛ بلندپروازی؛ انتقام‌جویی (ثار) که هم با جنبه‌های فردی و هم با

جنبه‌های اجتماعی و دین مرتبط بود؛ رجزخوانی که جلوه بیرونی و هنری صفات یاد شده بود و معمولاً در جنگ مجال بروز می‌یافتد و قمار و باده‌نوشی که نشان‌دهنده نیاز عرب بدی به خودنمایی و نمایش ثروت و بی‌اعتنایی در صرف آن بود.<sup>۳۳</sup> پس از بیان این خصوصیات و ضمن تأیید نظریه گولدزیهر، می‌گوید که تمام این جلوه‌های روانی مجموعه‌ای را تشکیل می‌داد که اسلام آن را جاهلیت نامید.<sup>۳۴</sup>

در دوران پیش از اسلام، جاهل یا جهل سخت مقابله و متضاد با تصور حلیم یا حلم بود و این تقابل ریشه‌دار جاهلیت و اسلام یا تقابل میان جاهل از یک سو و مسلم یا مؤمن از سوی دیگر، وضعی کاملاً تازه بود که با ظهور اسلام پیش آمد و این را از خود این واقعیت می‌توان دریافت که مفهوم مسلم یا مؤمن به معنای دینی در زمان‌های پیش از اسلام وجود داشته است. ولی در این مورد نیز مسأله بسیار دقیق است، چرا که مفهوم حلم با آنکه تفاوت کلی با اسلام دارد، آن اندازه متفاوت نیست که در هیچ چیز با آن مشترک نباشد. بر عکس حتی جنبه‌ای است که از آن جنبه می‌توانیم آن را صورت پیش از دینی و پیش از اسلامی‌خود تصور و مفهوم اسلام بدانیم و دلیل آن این واقعیت است که هنگامی که دین جدید به جای مفهوم قدیمی «حلیم» مفهوم تازه «مسلم» یا «مؤمن» را جایگزین کرد، این جایگزینی به شکل تدریجی و همچون یک فرایند طبیعی صورت گرفت بدون آنکه از این لحاظ هیچ گسیختگی شدیدی با اخلاق عربی قدیم پیدا شود.<sup>۳۵</sup>

جهل الگوی بر جسته رفتار مرد تنخدوی بی‌پروایی است که با اندک انگیختگی ممکن است قدرت تسلط بر نفس را از کف بدهد و در نتیجه بی‌بکانه به عمل برخیزد و هوس کور غیرقابل مهار کردنی، محرك او باشد بی‌آنکه هیچ در آن بیندیشد که پیامد عمل مصیبت بار او چه خواهد بود. این رفتار الگوی رفتار ویژه مردی است با طبعی بسیار زود رنج و هو سنگ که مهار احساسات و

عواطف را به دست ندارد و نمی‌تواند درست و نادرست را از یکدیگر باز شناسد. در مقابل این جنبه، جهل است که تصور حلم در درجه اول متعارض است. حلم طبیعت انسانی است که می‌تواند اشتعال و انفجار این جهل را فرو نشاند. حلیم کسی است که می‌داند چگونه بر احساسات و عواطف خود غلبه کند و بر هواها و هوس‌های کور خود پیروز شود و هر اندازه هم که تحریک شده باشد، آرام و مطمئن و خالی از آشفتگی و پریشانی باقی بماند.<sup>۳۶</sup>

در قرآن‌کریم نیز گاه هست که جاهم به معنای نادان نیست بلکه انسان متکبر خود رأی است. چنانکه می‌فرماید: بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکریر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند.<sup>۳۷</sup>

اگر جهل شعله سوزنده خشم است، حلم آرامی و توازن عقلی و تسلط بر نفس و استقامت رأی است. این تضاد میان جهل و حلم که به صورت مجازی در بیتی از عمرو بن احمد باهله آمده، مشهور است؛ وی شاعری از دوره جاهله بود که به دین اسلام درآمد:

دیگ‌های بزرگ سیاه که دخترکان خدمتگزار ما از آنها مراقبت می‌کنند،  
چون شکم آنها جاهل شود (بجوشد) هرگز حلیم نخواهد شد (فرو نمی‌نشینند)  
که این نمادی از ثروتمندی و مهمان‌نوازی قبیله است.<sup>۳۸</sup>

جهل در درجه اول یک طبیعت ثابت و پایدار نیست، نماینده انفجار ناگهانی هوا و هوس است و از لحاظ اثر آن بر عقل و شعور آدمی، مستلزم فقدان موقتی و نه بالضرورة پایدار و دائمی توازن عقلی است. ولی هرگاه چنین اتفاق بیفتد که شخصی به صورت دائمی چنین حالتی پیدا کند، اگر یک جاهل عادی باشد، آن وقت حق داریم چنان فرض کنیم که وی شایستگی آن را ندارد که درباره هیچ موضوعی به حق داوری کند. چنین کسی از لحاظ عقلی، کور است،

داخل اشیا را نمی‌تواند ببینند. نظر او بر سطح چیزها متوقف می‌شود و به درون آنها نفوذ نمی‌کند. فهم و بینش او سطحی است و در هر وضعی بنابر فهم سطحی خود به کار بر می‌خیزد. بدین ترتیب به معنای دوم جهل می‌رسیم: ناتوانی عقل برای رسیدن به فهم عمیق چیزها که نتیجه آن همیشه داوری کردن سطحی و ناسنجیده خواهد بود.<sup>۳۹</sup>

معنای دوم جهل، درست شبیه به استعمالی از این کلمه در سوره بقره است که سخن از مردمان فقیری است که در عین تنگدستی می‌دانند چگونه ظاهر خود را آراسته و پاکیزه نگه دارند:

(افقِ شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند (و توجه به آین خدا، آنها را از وطن‌های خویش آواره ساخته و شرکت در میدانِ جهاد، به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتی بزنند) نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند) و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند. (این است مشخصات آنها!) و هر چیز خوبی در راه خدا افق‌کنید، خداوند از آن آگاه است.<sup>۴۰</sup>

البته قرآن کریم در اکثر موارد این کلمه را به معنی بینش و داوری سطحی نسبت به موضوعاتی که بیشتر جنبه دینی دارند به کار می‌برد. در این معنی دینی، جهل عبارت از ناتوانی آدمی برای فهمیدن اراده خداوند در آن سوی حجاب اشیاء و حوادث مرئی و ناتوانی دیدن چیزهای طبیعی همچون نشانه‌ها و آیات الهی است.

(و حتی) اگر فرشتگان را بر آنها نازل می‌کردیم و مردگان با آنان سخن می‌گفتند و همه چیز را در برابر آنها جمع می‌نمودیم، هرگز ایمان نمی‌آوردند مگر آنکه خدا بخواهد! ولی بیشتر آنها نمی‌دانند!<sup>۴۱</sup>

جهل، منحصر در داشتن بینش سطحی نسبت به چیزهای پیرامون انسان نیست؛ همچنین مشتمل بر ناتوانی انسان از دیدن «خود» و تدبیر کردن صحیح و درست شخص خویش است. آن کس که خود را نشناسد و از حدود توانایی خویش بی خبر باشد، نیز جاهل است و از این دیدگاه کلماتی همچون «طغیان» و «بغی» به معنای تجاوز از حدود، غالباً در قرآن کریم برای توصیف ایستاندن کافران در برابر خدا به عنوان تجلی ملموس جهل آمده است.<sup>۴۲</sup> لذا جهل به این معنی تقریباً مترادف با کوری عقل است.<sup>۴۳</sup> چرا که چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود.

عقل هنگامی می‌تواند به شکل درست عمل کند که آدمی آرام باشد و توازن عقل خود را حفظ کند؛ عقل مفهومی کم دامنه‌تر از حلم است. حلم پایه حقیقی عقل است؛ حالت غیر آشفته ذهن است که در آن فعالیت خاص عقل امکان پذیر می‌شود و عقل شایستگی آن را پیدا می‌کند که به صورت آرام و استوار چنان به کار برخیزد که نتیجه آن داوری درست و خوب باشد.

ای پسران حارث بن کعب ! آیا عقل‌هایتان از حمله کردن به من (با هجو) باز نمی‌دارد؟ ولی (پس از تفکر باید پذیریم که این خواستن چیز زیادی از شماست) چون شما همه میان‌تهی هستید و چیزی در درون ندارید و غول‌هایی با مخ‌هایی کوچکید. در ازای قامت مردان، چیز مهمی نیست: تنی چون تن استران است و عقل‌هایی چندان کوچک همچون عقل گنجشکان.<sup>۴۴</sup>

قرآن کریم نیز این کلمه را در همین معنی به کار برده است:  
آیا عقل‌هایشان آنها را به این اعمال دستور می‌دهد، یا قومی طغیان‌گرند؟<sup>۴۵</sup>  
بنابراین جهل در برابر فعل حکیمانه قرار می‌گیرد به این معنا که هر عملی که خاستگاه عقلانی نداشته باشد عملی جاھلانه تلقی می‌شود. از همین رو در منابع روایی (مانند کافی) نیز کتاب العقل و الجهل<sup>۴۶</sup> داریم، نه کتاب العلم و الجهل، چرا که در جاھلیت نفس و خواسته‌های نفسانی مدار و محور حرکت

### ۳۴ □ ستن جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم

بوده؛ ولی در اسلام، خدا محور و مدار قرار می‌گیرد «العقلُ ما عِبَدَ به الرَّحْمَنِ وَ  
الْكُتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ».<sup>۴۷</sup>

ادله‌ای که ثابت می‌کند جهل در مقابل علم نبوده است:

#### ۱-۱-۱. ادله عقلی

الف. تحدى قرآن: در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که در آنها پیامبر(صلی الله علیه و آله) از طرف خداوند مأموریت می‌یابد که به تحدي با مخالفان پیردازد. از جمله بارزترین این آیات، آیه معروفی است که می‌فرماید: و اگر درباره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده‌ایم، شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فرا خوانید اگر راست می‌گویید.<sup>۴۸</sup> در این آیه خداوند به‌طور مستقیم دشمنان پیامبر و دشمنان آیین او را مورد خطاب قرار داده است.

بنابراین از آنجا که قرآن کریم مشرکین و اهل جاهلیت آن روز را به تحدي فراخوانده است و چون لازمه تحدي قرآن کریم این است که آن مردم از علم و آگاهی زمان خود برخوردار باشند؛ لذا با این اوصاف معنای جاهلیت غیر از نادانی و عدم آگاهی است.

ب. غنای ادبی عصر جاهلیت: به گفته علمای تاریخ ادبیات عرب آنچه از شاعران عصر جاهلی بر جای مانده است، از غنی‌ترین میراث ادبی تاریخ این سرزمین است. این قوم به شعر و شاعری اهمیت فراوانی می‌دادند به طوری که هر قبیله می‌کوشید حتی پیش از داشتن رهبر سیاسی، خطیب و شاعری داشته باشد و چون در قبیله شاعری پدید می‌آمد، جشن‌ها می‌گرفتند و مهمانی‌ها می‌دادند. در واقع شاعر قبیله، زبان قبیله بود.<sup>۴۹</sup>

فیلیپ حتی نیز می‌گوید: دشوار است که جماعتی را که ادبیات و فرهنگی این چنین داشته‌اند به ویژه عرب‌های جنوب شبه جزیره عربستان را جاهل و

دور از مدنیت دانست.<sup>۵۰</sup>

ج. هدف بعثت: پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عباراتی کوتاه هدف بعثت خود را «اتمام مکارم اخلاق» معرفی فرموده‌اند.<sup>۵۱</sup>

این می‌تواند دلیل و سندی موثق و قاطع در نفسی معنای «نادانی» از واژه جهل و جاهلیت باشد. چرا که این حدیث نشان می‌دهد که مشکل مردم عصر جاهلیت، نادانی و جهل آنان نبوده است، بلکه نقص مکارم در میان آنان نبوده است. لذا با چنین هدفی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست به کار شدند و با توجه به دستورهای ذات مقدس باری تعالی از طریق وحی در صدد اصلاح اخلاق آنها برآمدند. بنابراین از اینکه هدف بعثت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به قول آن حضرت «اتمام مکارم اخلاق» بوده است، دانسته می‌شود که در واقع هدف پیامبر بر کردن خلاً اخلاقی بوده است. بنابراین مراد از عصر جاهلیت، دوره‌ای است که اخلاق در آن حاکم نبوده، نه اینکه مردم بی‌سواد بوده‌اند.

د. معجزه پیامبر (صلی الله علیه و آله): هر پیامبری که از طرف خداوند به رسالت برگزیده شده است، برای اثبات حقانیت رسالت خویش و برای صداقت گفتار و احکام خود، از طرف خدای متعال با معجزه‌ای همراه گردیده است.

تناسب نوع معجزه با احوال عمومی عصر نزول وحی در زمان بعثت انبیاء پیش از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) مؤید این نظر است که هر یک از پیامبران خدا به معجزه‌ای متناسب با نوع علم رایج و قابل قبول در آن عصر مجهز بوده‌اند.

در این زمینه از امام هشتم، امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که در پاسخ به پرسشی درباره علت تجهیز حضرت موسی (علیه السلام) به ید ییضا و آلت سحر و مؤید ساختن حضرت عیسی (علیه السلام) به علم طب و توانایی زنده کردن مرده‌ها و بینا کردن نایبنا ایان، فرمودند: خداوند حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را در زمانی برانگیخت که بیشتر، بر مردم زمانش، القای خطبه‌ها و شعر و سخن، غلبه داشت، از این‌رو کتاب خدای عزوّجل و احکام آن را برای ایشان آورد تا